



# جنبش دانشجویی،

## رادیکالیسم + عقلانیت + پیگیری

### و راهبردهای اصلاح طلبانه

احمد ملازاده

خشونت اسناد سیاسی را باعث شود و در انتهای تلاش توتالیتر و شبه فاشیستی را بر جامعه حاکم گرداند. به نیروی چپ تندرو که کشتاکش حاصل برای باز و بسته شدن فضای سیاسی را کشتاکش بین انقلاب و ضدانقلاب از راهی می‌کند (از نظر خود) و شرایط عینی انقلاب را آماده و در تکاپوی آن است تا با نام زدن و به خشونت کشاندن نقاط کور و بحرانی، نظام مستقر را سرنگون و دیکتاتوری دموکراتیک! خود را که از فلاں انقلاب، در فلاں کشور نسخه برداری کرده است به منصه ظهور برساند. از فضایی روزگار در چند کشور این راهبرد سبب تصرف قدرت توسط چپ تندرو شده است. بی‌بواسطه نتیجه آن است که به عنوان یکی از شوم‌ترین و دردناک‌ترین پدیده‌های تاریخی در قرن بیستم از آن نام برده می‌شود.

چ: نیروهای میانه یا اصلاح‌طلب که خواهان گذار تدریجی و آرام و مسالمت‌آمیز هستند این نیرو از نظر کسی در شرایط کنونی جامعه ایران بر دو نیروی دیگر تفوق دارد. اما برای گذار تدریجی و مسالمت‌آمیز جامعه تنها تفوق کسی این نیرو کافی نیست.

اولین مانع در راه پیشبرد برنامه‌های نیروهای میانه و اصلاح‌طلب ساخت سیاسی است که در آن نیروهای راست تندرو سستی و تندرو نقش مسلط دارند و با اشکال گوناگون راهبردها و برنامه‌های اصلاحی نیروهای میانه را دچار بحران و از کارایی آن جلوگیری به عمل می‌آورند. دومین مانع عدم وجود نهادهای مدنی است که حضور آن برای استمرار برنامه‌های اصلاح‌طلبان بسیار ضروری است. راست تندرو که ماگان برای جلوگیری کردن از نهادینه شدن نهادهای اجتماعی به نوع سازماندهی

راهبردها و تکنیک‌هایی که نو جریان راست تندرو و چپ تندرو در راه بازتولید چرخه اسناد و انقلاب توده‌وار پیش روی قرار داده‌اند فاصله می‌گیرند. چرخه‌ی اسناد و انقلاب توده‌وار علم سبب باز و بسته شدن فضای سیاسی کشور می‌گردد. در دوره اسناد فضای کاملاً پرضرور حاکم می‌گردد و از شکل‌گیری هر نوع نهادی مدنی جلوگیری به عمل آورده و روشنفکران (دانشجویان به عنوان بخشی از نیروی

روشنگری به حساب می‌آیند) را شدیداً سرکوب و بخشی از آن‌ها را وادار به عکس‌المنع منسروانه و مسلحانه می‌نماید تا سیاست سرکوب خود را توجیه کند. و این تجربه‌ایست که نسل ما آن را پشت سر نهاده و از فرهای انقلاب به نقضش نفیسته است. در آن شرایط بین آرمان‌ها و امکان تحقق آن‌ها فاصله‌ای بسیار شکل می‌گیرد. به قولی توده‌ی مردم از صحنه خارج و دچار بی‌تفاوتی سیاسی می‌گردند. چپ تندرو در صدد می‌گردد با روش کردن موتور کوچک (پارلمانداری جنبش مسلحانه) موتور بزرگ (توده مردم) را روشن کند و فضای انقلابی را بر جامعه حاکم کند. تجربه‌های گذشته پهلوان راهبردهای آن‌ها را به نیکی نشان داده است. و اقدام این‌ها نتیجه‌ای جز سرکوب توده‌ی مردم و محو نهادهای مدنی و گسترش شرایط سبب‌های استفاده از یک دوره‌ی مشخص نتیجه دیگری به بار نیاورده است. در شرایطی که جامعه پر بر حسب انقلابی توده‌وار در کشتاکش باز و بسته شدن فضای سیاسی قرار می‌گیرد سه نیروی متفاوت رو در روی هم قرار می‌گیرند.

الف: نیروی راست تندرو که از باز شدن فضای جامعه وحشت دارد و در جستجوی آن است تا با توسل به

سه نظمان در کنار بخش از نیروی انقلابی در آستانه سحر روز ۸۸ تیر به خلیجگاه دانشجویان در کوی دانشگاه تهران حمله کردند که این اقدام را بسیاری از معسران و تحالیر گران نومی سه کیوتتا علیه نوبت خامی توصیف نمودند. با نگاهی کوتاه به عقل برابری قاجمه و پیامدها و دستاوردهای آن برای نو نیروی اصلاح‌طلب و ضدان و روند و مواجی که توسعه سیاسی با آن روبروست می‌توانیم بوی.

هماکنون در کشور ما بیش از چند میلیون تحصیل کرده حضور دارند که دوره‌های دانشگاهی را در سطح لیسانس و فوق‌لیسانس و یا دکترا پشت سر نهاده‌اند. بیش از یک میلیون دانشجو نیز در کشور وجود دارند که در کنار آن چند میلیون تحصیل کرده بیگانه راه ندوین و یا انتقال راهبردهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی مهمی بسزا داشته و دارند. از آغاز جنبش اصلاح‌طلب، مردم خرده‌اند آن‌ها خود را در آستانه‌ی نهفتن اجتماعی یافته و سعی آن نمودند تا برای مساجت آکادمیک که در محافل بسته پروانده شده‌اند کاربردی عملی سپارند. از آن جایی که این توده‌ی عظیم تحصیل کرده با همه اقشار و طبقات جامعه در ارتباطی نتوانستند فرار گرفتند، عملاً به حلقه‌ی اتصال انقلاب آن گفت‌وگوهای آکادمیک به توده مردم تبدیل شده‌اند. این نقش در حقیقت سبب پیمایش مرجع جدید در جامعه گردیده است که مایل است از تاریخ گذشته خود فرس عبرت بگیرد و از حرکت چرخه‌های باطل که سبب استعمار بازتولید اسناد و دیکتاتوری و انحصار امکانات اجتماعی و فرهنگی و بالاخص اقتصادی در دست اقلیتی کوچک که جلوگیری به عمل آورد برای تحقق این هدف را

از هر یک‌گفته و انحصارگران را رسوا و نقشه‌های آن‌ها را هم کوبیدن نهادهای اجتماعی دسته‌های اولیای را به عنوان‌های متفاوت در سراسر کشور سازماندهی نموده است و این دسته‌های فراتر از هر نژاد و فرقی را که در صدد پیش‌برد برنامه‌های اصلاح‌طلبان هستند مورد هجوم قبیله‌گرای قری می‌دهند.

سومین مانع، مامی فرهنگی است که در غیاب جامعه مدنی، این‌ها را فرهنگ‌های برخاسته از حافظه‌ی تاریخی - قومی، نوعی خاص از رفتار اجتماعی را در بین خود برده است. موانع فرهنگی، بعضی از نمایندگان فرهنگی راست تندرو توجیهی تئوریک برای به خشونت کشاندن جامعه فراهم می‌آورند و با بسطیاری از ابزارهای قدرت را تقسیم‌رایی می‌کنند هر چند در گوناگونی ممکن است که استفاده از ابزار از دین کمکی به پایه‌های قدرت آن‌ها نماید اما مسلماً در میان مدت و بلندمدت خود حاصل از استفاده از ابزار از دین به چشم آن‌ها خواهد رفت.

چهارمین مانع، قطعی شدن پیش از بیش مناسبات اقتصادی در جامعه است. در کشورهایی شرقی، انحصار نسبی می‌تواند با استفاده از مدل‌های قدرت انحصاری قومی می‌تواند با استفاده از اقتصاد رانتی و انحصاری کردن اقتصاد از قدرت سیاسی خود به نفع‌های مختلف محافظت نماید در نتیجه این سیاست‌هایی از جامعه که به قدرت نزدیک است را رها کرده و برای طایفه‌های نزدیک به قدرت برقرار می‌ماند به زیر خط فقر رانده می‌شوند (سیاست‌های) چون تعدیل اقتصادی و... که از سوی بانک جهانی برای صدور مجوز پرداخت وام صادر شده است نیز به کشاندن اکثریت جامعه به زیر خط فقر تأثیری فراوان داشته است) در نتیجه انحصارطلبان و سازمان‌دهندگان اقتصادی و رانتی و مجرمان سیاسی بانک جهانی دست در دست هم در قطعی شدن جامعه به یک میزان عنصر بوداند. جامعه‌ای که دو قطب اصلی آن‌ها را در عصر اقتصاد اقلیتی کوچک اما بسیار نژادمنده و در قطب دیگر اکثریتی بی‌چیز که از حداقل امکانات برای چرخ زدن زندگی بهره‌بردار بوده و هر سال نیز بر شدت آن کاسته شود تشکیل شده باشد، جامعه‌ای بی‌نات و نالرم خواهد بود و زمینه‌های مسامحه برای پیش‌برد برنامه‌های اصلاح‌گرایانه نمی‌تواند فراهم آورد.

با این چهار ویژگی که بر مردم‌ها خطر غلبتین جامعه به سمت خشونت و افراط شدیداً ما را تهدید می‌کند.

تنها فاکتور مثبت در راه توسعه سیاسی حضور دانشجویان و روشنفکران به عنوان حلقه واسط ارتباط مابین تکنیکالی که خواهان توسعه سیاسی هستند و مردمی‌ها که چشم به همان این حلقه‌های واسط دوخته‌اند می‌باشد و علاوه بر آن حضور مطبوعات مستقل در گسترده همگانی که به خوبی سیاست‌های

خشونت‌طلبان و انحصارگران را رسوا و نقشه‌های آن‌ها را برای نابودی جریان اصلاح‌طلب رسوا ساختند. آن‌چه که تاکنون باعث شده‌است تا توده مردم صدای گامه‌های خالی و خفاش و جنگل‌هایشان را چون ششی به خیابان‌ها و پشت در دفتر ریاست جمهوری کشاندن و بدین ترتیب راست تندرو را که در آرزوی چنین رویه‌های شمشیرها را به صحن می‌رساند تاگام کلانزد حضور آگاهانه مستولان و روشنفکران و دانشجویان و مطبوعات مستقل و از نما آن‌ها با توده مردم می‌باشد.

فشار بیش از پیش خشونت‌طلبان بر روشنفکران و دانشجویان و مطبوعات مستقل در همین راستاست. مسلم است که بین قتل‌های زنجیری و حمله به کوی دانشگاه تهران و ایجاد محدودیت برای مطبوعات مستقل رابطه‌ی تنگاتنگی وجود دارد.

دانشجویان در قبال حرکتی که خشونت‌طلبان در خشی کردن برنامه‌های اصلاحی جامعه خود برداشته‌اند، عکس‌العمل نشان دادند. این عکس‌العمل از پیش برای نیروهای خشونت‌طلب قایتی پیش‌بینی بود و با طراحی حمله به خوابگاه این عکس‌العمل را به بحرانی‌ترین شکل تبدیل ساختند تا از آن بهره‌ی لازم را ببرند اما هوشیاری دانشجویان و اذغام رادیکالیسم با فعالیت‌های انقلابی در بین آن‌ها و دنبال کردن و پیگیری راهبردی مسئولان در سطح مسالمت‌آمیز، نقشه‌های محامل تندرو را با قطع بر آب نمود روشن است که این آخرین تهاجم خشونت‌طلبان به جبهه اصلاح‌طلبان نخواهد بود و تهاجم‌های دیگری در راه است. هدف تهاجم‌های اخیر پوشش عوامل اصلی قتل‌های زنجیری، مهار جنبش دانشجویی و بازداشتن بخشی وسیعی از توده دانشجو در دنبال کردن برنامه‌ی توسعه سیاسی، محدودیت مطبوعات، حذف بسیاری از نیروهای طرفدار اصلاحات و مستقل از اصلاح استعماری و بیرونی قطعی در انتخابات مجلس ششم و در نهایت شکست جنبش خود خرداد می‌باشد.

مسلم است ستادی که تهاجم‌های خشونت‌آمیز را سازمان می‌دهد و آن‌چنان که پرونده‌ی سعید اسلامی مجری قتل‌های زنجیری به خوبی آن را نشان داده است هدفی جز بازتولید استبداد نابودی دین، کشاندن مجدد ایران زجر استعمار ندارد. موضوع‌گیری‌ها و تحقیقات سرخ ماچراها را افشاء کرده است. حمایت قطع‌بهری از رئیس‌جمهور، ایشان را موقوف نموده است تا با قسمی که در راه حفظ قانون اساسی و پیش‌برد آن خورده است، این نقطه‌های کور را بگشاید. تجربه دو سال اخیر نشان داده است که مسلط کردن سیاست‌های چانه‌زنی تابعیت منتهی و با دنبال نشاندن است. شرایط جامعه تشنه‌ی کار روشنگرانه است. جریان خشونت‌طلبان در چنین صورتی از میان به در خواهد رفت. یک سخن هم در جریان رو به رشد در بین راست تندرو داریم که در صدد است به فعالیت‌های روی‌رو و مصلحت‌طلبی ما پیش خود خرداد دهد. مسجی در زاین راستی بود که با روی آوردن به فعالیت‌های زاین مدرن را بی‌ریخت.

راست‌فکران را در صورت مقابله با سیاست‌های راست تندرو و افتاد سیاست آن‌ها و عدم همراهی با آن‌ها که با توجه به تنوع به تنوری طوطی‌دود و اهداف پوشش می‌شود به وحدت ملی و حفظ امنیت آن کمک شایانی خواهند نمود. چه تنوری نیز به این روزها پیش از هر زمان خاص و بحرانی خود خرداد را زیر ضرب بردهند تجزیهات ایرانی و خشیاری‌های اخیر را ملایک خوش‌گوش قرار دهند و به جای ایمانی قش بل برونه و زیست در دهه شست به تحولات گش جهان بندیشند.

در دو سال اخیر تاب شده است که راست تندرو به‌دراز هر تهاجمی که جنبش خود خرداد و شکست تهاجم به تنوری طوطی‌دود تکیه می‌کند تا مجدداً با خود و نیروهای تحت فرمانش قدرت سازماندهی مجدد داده و راه را برای تهاجم دیگری باز نگه‌دارد. همه‌ی تشری‌های حاصل را که خود سبب بنیای آن‌هاست به حساب توطئه‌های دشمنان فسد خورده خارجی و همدستان داخلی آنان گذارد. در حوادث اخیر نیز راست تندرو اینجین عمل کرد. در آشوب‌هایی که از یکشنبه ۲۰ آغاز گردید و حمله به اماکن عمومی شکل گرفت نوعی سازماندهی وجود داشت که با حرکت خودجوش مردم و دانشجویان همکاری نداشت. بسیاری از کسانی نیز به آشوب‌ها نقش سرد مسجی بودند و در فاصن زین به آشوب‌ها نقش داشتند. چه به‌دراز بنیانه‌ی شورای امنیت در روز هفتمه ۲۲ ترم نام ناگهان این نیرو ذوب شدند و آرامش به شهر بازگشت. بعدها روزنامه‌های وابسته به این جریان برای پنهان‌سازی سرخ‌های هدایتگر به تنوری طوطی تکیه کردند و به بیان کردن داستان قدیمی پرداختند. که در این روزها به تنوری در تاریکی اینماندن می‌ماند. فاجعه حمله به کوی دانشگاه و آشوب‌هایی که بعد از آن به وقوع پیوست بر حینت جهانی ما ضرب‌های جبران‌ناپذیر وارد ساخت و سیاست‌های اصلاح‌طلبانه در ایران را در انتظار مردم جهان ببیند. جوده‌ی کر ساخت. وقت آن رسیده است که روحانیت مطبوعات و آگاه‌ترین این فقه‌چرکین را که برای پیش‌برد برنامه‌هایش از ابزار کردن دین هیچ راه‌های توسعه به مردم معرفی و به جنبش اصلاحی ایران در راه نرسانند. وحدت همه نیروها حول طرد جریان‌های افراطی خشونت‌طلبانه در شرایط کنونی راهبردی مسجری به حساب می‌آید. و این راهبردی رسیده را برای تسکین استقلال ملی و امنیت ملی که دانشجویان و روشنفکران نیز برای و آگاه است. فرهنگ و اقتصاد ایران در شرایط توسعه سیاسی دارد. راه را برای توسعه اجتماعی و اقتصادی فراهم خواهد آورد. عدم توجه به شرایط خود خردی‌ها که در آن قرار گرفته‌اند، با به مسیری خواهد کشاند که زندگی مجدد را برای هرچه‌ی اشتیاد و انقلاب، تودم‌فرا خواهد آورد. گذشته‌ی تاریخی خود درس بگیریم به مسجی شویم تا آن‌ها تکرار کردند. تکرار کردند آن‌ها چه به جای جهان معاصر تنگ‌تر خواهد ساخت.